

نقش ابعاد پایبندی مذهبی در پیش‌بینی امکان طلاق زنان شهر قاین

احمد موحد^۱

خدیدجه علیپور مقدم^۲

زهره عباسی^۳

سعیده مرادی^۴

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش ابعاد پایبندی مذهبی در پیش‌بینی امکان طلاق زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قاین صورت گرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی به‌شمار می‌رود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قاین بودند که از میان آنها ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی برای نمونه انتخاب شدند. با استفاده از پرسش‌نامه‌های پایبندی مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸) و بی‌ثباتی ازدواج ادوارز و همکاران (۱۹۸۷م) اطلاعات لازم جمع‌آوری شد و نتایج به کمک نرم‌افزار Spss و با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و آزمون رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد از بین ابعاد پایبندی مذهبی (پایبندی به مذهب، دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب) بین بعد پایبندی به مذهب با امکان طلاق، رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین دو بُعد دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب با امکان طلاق، رابطه وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، از بین ابعاد پایبندی مذهبی، بعد پایبندی به مذهب، توان پیش‌بینی امکان طلاق را دارد. براین اساس می‌توان گفت: با افزایش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق افزایش می‌یابد. بنابراین با استمداد از معنویت و اتخاذ سبک زندگی اسلامی می‌توان از تعارضات و ناراضی‌های زناشویی و اثرات منفی آن بر زندگی زوجین جلوگیری کرد و از رضایت بیشتری در زندگی زناشویی برخوردار شد. **کلیدواژه‌ها:** پایبندی مذهبی، ناپایبندی مذهبی، دوسوگرایی، امکان طلاق، زنان

۱. مربی گروه روانشناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ A.movahed@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تهران، ایران؛ kh.alipour@pnu.ac.ir

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قاینات؛ z.abasi29@gmail.com

۴. کارشناسی روانشناسی عمومی دانشگاه پیام نور تهران، ایران؛ saeedeh.moradi@yahoo.com

۱. مقدمه

خانواده قدیمی ترین سازمان اجتماعی است که از بدو پیدایش انسان وجود داشته و در هسته مرکزی سازمان های اجتماعی گسترده تر قرار گرفته است. خانواده در حکم بافت سلولی برای اندام های اجتماعی عمل می کند و در تعلیم و تربیت، آموزش و سلامت روانی نقش دارد. به طور حتم می توان گفت که مرکز ثقل خانواده، زن و مرد یا در قالب زوج است. ارتباط و رضایت آن ها از زندگی زناشویی یکی از اساسی ترین عوامل حفظ و سلامت خانواده و همان طور جامعه است. با توجه به این که انتخاب همسر و بستن پیمان زناشویی هم به عنوان نقطه عطفی در رشد و هم پیشرفتی شخصی تلقی می شود، بدون شک یکی از مهم ترین تصمیم هایی که در طول زندگی هرکسی گرفته می شود انتخاب یک شریک زندگی است (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸، ص ۳۱).

ازدواج معمولاً جزو رسوم مهم تمامی جوامع محسوب شده و منبع حمایت، صمیمیت و لذت انسان است. همچنین ازدواج سبب پیدایش همکاری، همدردی، علاقه، مهربانی، بردباری و مسئولیت پذیری نسبت به خانواده می باشد. کارکرد اولیه ازدواج شامل عشق، محبت و صمیمیت بین زن و شوهر بوده و تغییرات تکنولوژیکی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در تغییر این کارکرد اولیه نقش اساسی دارد (صاحبدل و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

به دلیل انتظارات زیاد از ازدواج، معمولاً بسیاری از افراد درمی یابند که روابطشان این انتظارات را برآورده نمی کند. معمولاً همه زوج ها در ابتدای ازدواج، سطح زیادی از رضایت زناشویی را گزارش می کنند اما رضایت از رابطه در طی زمان و در میان خیلی از زوج ها کاهش می یابد. سعادت و سلامت خانواده وابسته به وجود ارتباطات سالم و بالنده زوج ها بوده و چنانچه پایه خانواده از استحکام لازم برخوردار نباشد، پیامد منفی آن، انواع مشکلات جسمانی و روانی خواهد بود. امروزه ارتباط های مختل، تعارض ها و کشمکش های درون خانواده و ناتوانی در حل مسائل خانوادگی سبب بروز بسیاری از نابهنجارهای روانشناختی و مشکلات بهداشت روانی شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۲).

از آنجایی که خانواده اساس و شالوده زندگی فردی و اجتماعی است و هسته اصلی خانواده

زن و شوهر هستند، هرگونه تلاش برای حفظ روابط از آسیب‌های احتمالی لازم و ارزشمند است. در سال‌های اخیر، احساس امنیت و آرامش و روابط صمیمانه میان زن و مرد به سستی گراییده و کانون خانواده دستخوش فرایندهای ناخوشایند شده است و جهان قیامی ناگهانی در افزایش نرخ طلاق را تجربه کرده است (فخری و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۲۱۰).

بی‌ثباتی ازدواج و در نتیجه طلاق، مسئله‌ای فردی نیست که عواقب و عوارض آن فقط متوجه افراد درگیر در آن شود، بلکه معضلی اجتماعی است که کل جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. طلاق یک معضل سلامت عمومی در نهاد اجتماعی خانواده است که اثرات آن به فرزندان نیز منتقل می‌شود به نحوی که بیشترین آثار سوء ناشی از طلاق متوجه فرزندان است (نصرالهی و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۱۶۶). اگر رضایت زناشویی به عنوان عامل استحکام بنیان خانواده به طور کامل به وجود نیابد، می‌تواند اثرات زیان‌بار جسمی و روانی ایجاد کند و مسیر خانواده را به بیراهه بکشاند (مارکمن^۱ و همکاران، ۲۰۱۳، ص ۱۶۶).

از جمله متغیرهایی که می‌تواند به زوج‌ها برای کنار آمدن با مشکلات زناشویی کمک کند، مذهب و پایبندی مذهبی می‌باشد. تحقیقات زیادی به بررسی این موضوع پرداخته و به رابطه مثبت و معنادار بین دینداری و مذهبی بودن با رضایت زناشویی، سازگاری زناشویی، ثبات ازدواج، تقدس‌نگری نسبت به ازدواج، تعهد زناشویی، کارکرد خانواده، کیفیت ازدواج، عملکرد ازدواج، همدلی زناشویی، صمیمیت زناشویی و مهارت حل تعارض اشاره نموده‌اند (فینبرگ و لومن^۲، ۱۹۷۵، ص ۱۵۵؛ موهانی^۳ و دیگران، ۱۹۹۹، ص ۳۲۱؛ مارش و دالوز^۴، ۲۰۰۱، ص ۳۴۳ و باتلر^۵ و دیگران، ۲۰۰۲، ص ۱۹).

دین یک نظام اعتقادی است که پیروان خود را با هم پیوند می‌دهد و بین آنها

1. Markman
2. Fineberg & Lowman
3. Mahoney
4. Marsh & Dallos
5. Butler

همبستگی نزدیکی پدید می‌آورد (ویلارد و نورنزیان^۱، ۲۰۱۷، ص ۱۳۹). دین نظام اعتقادی سازمان یافته‌ای است که با مجموعه‌ای از آیین‌ها و اعمال تعیین‌کننده، شیوه پاسخدهی افراد به تجارب زندگی را مشخص می‌کند و مذهب یکی از مهمترین عواملی است که به تجارب، رفتارها و ارزش‌های انسان معنا و ساختار می‌دهد (سان^۲ و همکاران، ۲۰۱۸، ص ۵۹۰). دین و مذهب، یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری از گذشته تاکنون به خود دیده، به طوری که هیچگاه بشر خارج از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن بر نکشیده است. دین و مذهب به مثابه عمیق‌ترین منبعی است که موجودیت انسان در آن پرورش یافته و تمام ابعاد آن، از جمله وحدت انسان به خداوند، بدان وابسته است. بنا به گفته کارل لایبل، مذهب هر فرد، واقعیت وجودی انسانی را مشخص می‌کند و بر جنبه ملی هویت ملی او نیز تأثیر دارد. اعتقادات مذهبی با سرنوشت انسان پیوند می‌خورند و جوشش‌های این عقاید در قلب انسان، اصول دیگر زندگی انسان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسمیت^۳ و همکاران، ۲۰۰۱، ص ۳۰۷). مذهب (دعا و نماز، مناسک عبادی، مشارکت در آئین‌ها و تشریفات درجه اول) ادراکات زوج‌ها درباره معنای مقدس ازدواج را پررنگ می‌کند. همچنین مذهب باعث می‌شود زوج‌ها دوام و بقای ازدواج خود را از برکت خداوند بدانند و خویشاوندی و پیامدهای مثبت ازدواج نیز در سایه مذهب، رنگ مقدسی به خود خواهد گرفت (مولینز^۴، ۲۰۱۶؛ به نقل از موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۴۳). تحقیقات ماهونی (۲۰۰۵، ص ۶۸۹)، هانلر و گنکوژ^۵ (۲۰۰۵، ص ۱۲۳)، شرام^۶ و همکاران (۲۰۱۲، ص ۲۴۶)، متینگ‌لی^۷ و همکاران (۲۰۱۰، ص ۱۴۶۵) نشان دادند که افراد مذهبی نسبت به افراد غیرمذهبی تعهد و رضایت زناشویی بالاتری دارند.

1. Willard & Norenzayan
2. Sun
3. Smith
4. Mullins
5. Hunler & Gencoz
6. Schramm
7. Mattingly

لامبرت و دولاهیته^۱ (۲۰۰۶، ص ۴۳۹) در پژوهش خود نشان دادند باورهای مذهبی و انجام اعمال مذهبی می‌تواند به زوج‌ها در هنگام عدم توافق‌ها کمک کند. اسمیت و همکارانش (۲۰۱۲، ص ۱۱۲۶) و فرتادو و همکارانش (۲۰۱۳، ص ۱۰۱۳) دریافتند که احتمال طلاق در میان زوجینی که از دو فرهنگ و آداب و سنن و دین متفاوت هستند، بیشتر است. ریحانی و عجم (۱۳۸۱، ص ۹۶) نشان دادند که عوامل مذهبی، اخلاقی مهم‌ترین عوامل طلاق‌های شهر گناباد هستند. پژوهش فاتحی زاده و همکاران (۱۳۸۴، ص ۱۱۷) نشان داد که باورهای مذهبی از مهم‌ترین عوامل کاهش طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد است. هنریان و یونسسی (۱۳۹۰، ص ۸۹)، کلانتری و همکاران (۱۳۹۰، ص ۱۲۹) ضعف پابندی مذهبی را یکی از علل طلاق به شمار آورده‌اند. غفوری و همکاران (۱۳۸۸، ص ۱۴۳) در پژوهش خود نشان دادند که سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی توان پیش‌بینی موفقیت و شکست رابطه زناشویی را دارند. هراتیان و همکاران (۱۳۹۴، ص ۱۰۱) نشان دادند بین پابندی مذهبی و تعارضات زناشویی رابطه وجود دارد و زوج‌های پایبند به باورهای مذهبی تعارضات کمتری را گزارش می‌کنند. همچنین یوسفی و بشلیده (۱۳۹۰، ص ۷۳) نشان دادند باورهای مذهبی و خوش‌بینی - بدبینی می‌تواند پیش‌بینی‌کننده طلاق باشد. ماهونی و همکاران (۱۹۹۹، ص ۳۲۱) با تجزیه و تحلیل مشاهدات‌شان نشان دادند که جنبه‌های گوناگون عملکرد زناشویی شامل رضایت زناشویی، تعداد برخوردها و خشونت فیزیکی با فعالیت‌ها و اعتقادات مذهبی در ارتباط است، به این صورت که زوج‌های دارای اعتقادات مذهبی بالاتر، رضایت زناشویی بیشتری داشته و برخوردها و خشونت‌های آنان نسبت به هم کمتر است. ثناگویی (۱۳۹۲، ص ۹۱) نیز در پژوهشی نشان داد زنانی که پایبند به مذهب‌اند، کمتر الگوهای ارتباطی معیوب را برمی‌گزینند.

اهمیت و ضرورت معنویت و مذهب از جهات مختلف در عصر جدید احساس می‌شود یکی از این ضرورت‌ها در عرصه انسان‌شناسی توجه به بعد معنوی انسان از دیدگاه دانشمندان به ویژه کارشناسان سازمان بهداشت جهانی است که اخیراً انسان را موجودی زیستی، روانی،

1. Lambert & Dollahite

اجتماعی و معنوی تعریف می‌کنند. ضرورت دیگر طرح این موضوع ظهور دوباره کشش معنوی و نیز جستجوی درک روشن‌تری از ایمان و کاربرد آن در زندگی روزانه است (اکبری‌امرغان و عبدیوسفخانی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).

از لحاظ درون فردی، عقاید و اعمال مذهبی، فرد را قادر به کنترل خشم خود از لحاظ فیزیولوژیکی، شناختی و عاطفی نموده و به او کمک می‌نماید تا مسؤلیت اعمال خود را در تعارض‌ها بپذیرد و از این رو می‌تواند نقش مهمی را در رضایت زناشویی ایفا نماید. از لحاظ بین فردی، اعمال و اعتقادات مذهبی حمایتی برای هردو زوج ایجاد نموده و سبب می‌شود که افراد در هنگام خشم به خدا توجه و از تعارض با یکدیگر اجتناب کنند. در ارتباط با روابط زناشویی، معنویت و ارتباط با خدا یک نقش تعاملی و جبرانی دارد. در واقع معنویت، سیستم سازمان‌یافته‌ای از باورها شامل ارزش‌های اخلاقی، رسوم و مشارکت در جامعه دینی برای اعتقاد راسخ‌تر به خدا یا یک قدرت برتر بوده و شیوه‌ای مؤثر برای مقابله با مصائب و تجارب دردناک و اثرگذاری بر چگونگی روابط انسانی در زمان مشکلات و ناراحتی‌ها است (سیفی و تقوی، ۱۳۹۸، ص ۳۷-۳۸).

نگاهی به پژوهش‌های انجام‌شده در ایران نشان می‌دهد اگرچه پایبندی مذهبی در رابطه با متغیرهای مختلف مرتبط با ازدواج و خانواده سنجدیده شده، ولی پژوهشی که به بررسی رابطه دو متغیر پایبندی مذهبی و امکان طلاق پرداخت یافت نشد. با توجه به مطالعات فوق‌هدف و مسئله اساسی پژوهش حاضر عبارت از بررسی نقش ابعاد پایبندی مذهبی در پیش‌بینی امکان طلاق زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت شهر قاین است.

۲. مبانی مفهومی و نظری

۲.۱. پایبندی مذهبی

دین و مذهب یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین نهادهایی است که جامعه بشری به خود دیده است به طوری که هیچ‌گاه بشر خسار از این پدیده زیست نکرده و دامن از آن برنکشیده است. به زعم یونگ دین حالتی خاص از روح انسان است که برطبق معنی اصلی

کلمه دین، عبارت است از حالت مراقبت و تذکر و توجه دقیق به بعضی از عوامل مؤثر که بشر عنوان قدرت قاهره را به آن اطلاق می‌کند (باختری و جبرائیل‌زاده، ۱۳۹۷، ص ۷۷).

پایبندی مذهبی موجب می‌شود فرد افکار، اعمال و امیال خود را براساس معیارهای مذهبی تنظیم کند. در دیدگاه چنین فردی، تمامی تجربیات زندگی روزمره رنگی خدایی می‌گیرد و فرد سعی می‌کند در همه رویدادهای زندگی خداوند را ناظر و شاهد اعمال خود ببیند و بر طبق اصول و موازین دین عمل کند. همین پایبندی به ارزش‌های دینی، موجب سلامت و نشاط روحی و روانی فرد می‌شود. نتایج تحقیقات نشان داده است که افراد مذهبی از سبک و شیوه زندگی سالم‌تر و متعادل‌تری استفاده نموده و از قابلیت سازگاری و کنار آمدن بالاتری برخوردار هستند و در مقایسه با افرادی که از نظر اعتقادات دینی ضعیف‌تر هستند، احساس آرامش، امنیت و خوشبختی بیشتری می‌نمایند (نوابخش و پوریوسفی، ۱۳۸۵، ص ۷). مذهب، نه تنها زندگی فردی افراد، بلکه زندگی اجتماعی و خانوادگی آنها را نیز تحت پوشش قرار می‌دهد. به‌طوریکه بالاترین مراتب رفتارهای دینی، پس از ایمان به خدا، برقراری روابط خویشاوندی است. آثار و نتایجی چون طولانی شدن عمر، جلوگیری از بروز بلاها و مرگ ناخوشایند، سلامتی بدن، رفع فقر و افزایش روزی، آبادی شهرها، حسن خلق، اصلاح رفتارها و ایجاد آرامش و نشاط را به همراه خواهد داشت (سالاری فر، ۱۳۸۴، ص ۳۲). در نتیجه، جوامع پایبند به اصول اخلاقی و مبانی دینی ارزشی، از روابط سالم اجتماعی، چه در سطح خانواده و چه در سطح اجتماع برخوردارند. در میان آنها صلح، صفا، اعتماد و علاقه، احترام و ادب و اخلاق حکم فرماست و کانون خانواده بسیار گرم و صمیمی است (ابراهیم‌زاده آملی، ۱۳۸۴، ص ۳۴). همچنین با توجه توصیه‌های فراوان دین اسلام بر خوش خلقی، پرهیز از خشونت، مهربانی و خیرخواهی، نوع دوستی، پرهیز از ظن و گمانهای بیهوده، پرهیز از حسادت و بغض و کینه نسبت به یکدیگر، افزایش صبر و تحمل و احترام به روابط خویشاوندی و حفظ پیوندهای خانوادگی، پایبندی به ارزش‌های مذهبی، از بروز بسیاری از آسیب‌های که در روابط خانوادگی اختلال ایجاد می‌کند و موجب تیرگی روابط می‌شود، پیشگیری می‌کند و موجب می‌شود زوجین و خانواده بتوانند از روابط بهتر و سالم‌تری برخوردار شوند (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶).

در روابط زوجین و خانواده عدم پایبندی مذهبی، خودخواهی، حسادت، غرور، تکبر، خودپسندی، بدرفتاری‌ها، بدخلقی، سوءظن‌ها، بدزبانی، بدبینی، سودجویی‌ها، منفعت‌طلبی و بی‌تفاوتی نسبت به اعضای خانواده و زیرپا گذاشتن پیوندها و ارزش‌های خانوادگی، برای رسیدن به منافع شخصی موجب از هم پاشیدن روابط زوجین و خانواده، بی‌احترامی‌ها و قطع ارتباط‌ها می‌شود. این قطع ارتباط، نتایجی چون افزایش نگرانی در خانواده، محرومیت از حمایت‌های عاطفی و اجتماعی خانواده، انزوا، افسردگی، اضطراب و ناامیدی و پیدایش احساس بدبینی در همسر را به دنبال خواهد داشت (قاسمی و اعتمادی، ۱۳۹۵، ص ۱۰۶).

۲.۲. طلاق

گسترش پدیده طلاق در جوامع امروزی، یکی از آسیب‌های اجتماعی، ریشه در تغییر و تحولات گوناگون فرهنگی، اجتماعی، زیستی و ... دارد که با پیچیده‌تر شدن زندگی امروز، سطح آن افزایش یافته و نهاد خانواده را در معرض تهدید قرار داده است. خانواده، مرکز ثقل جامعه، اولین و بنیادی‌ترین نهاد جامعه است که ضامن سلامت و بقای جامعه تلقی می‌شود. زمانی که کارکردهای خانواده، از قبیل کارکردهای زیستی، اجتماعی، شناختی و عاطفی یکی پس از دیگری آسیب می‌بیند، اعضای آن به تدریج احساس رضایت‌مندی خود را از دست می‌دهند. این فرآیند، ابتدا موجب گسستگی روانی و سپس گسستگی اجتماعی و در نهایت واقعه حقوقی می‌شود که این گسستگی طلاق نامیده می‌شود (قطبی و همکاران، ۱۳۸۳، ص ۲۷۵).

اولریک زارتلر طلاق را از مهم‌ترین موضوعات مرتبط با خانواده در دنیای امروز می‌داند. پدیده طلاق از دید او در لحظه اتفاق نمی‌افتد، بلکه فرآیندی است که در طول زمان شکل می‌گیرد (لبیبی، ۱۳۹۳، ص ۷۷).

به منظور تبیین روندهای خیره‌کننده طلاق، به طور خاص و تحولات بنیادین خانواده معاصر به طور عام، طیف متنوعی از تئوری‌ها و نظریه‌ها ارائه شده است. یکی از برجسته‌ترین

تئوری پردازهای کلاسیک در حوزه مطالعه خانواده، ویلیام گود (۱۹۶۳؛ به نقل از فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۵)، معتقد است که ریشه اصلی تحولات در وضعیت خانواده معاصر را به طور خلاصه باید در مظاهر نوگرایی (صنعتی شدن، شهر نشینی و سایر صور نوگرایی مانند سیستم‌های پیشرفته ارتباطات و حمل و نقل) جستجو کرد. آنتونی گیدنز (۱۳۷۳؛ به نقل از فروتن و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۱۹۶) نیز، رشد چشمگیر میزان طلاق را در چارچوب تغییرات اجتماعی گسترده جوامع معاصر تبیین می‌کند و به طور مشخص به دو عامل عمده، یعنی استقلال اقتصادی زنان و گرایش فزاینده به ارزیابی ازدواج، بر حسب میزان ارضای شخصی اشاره می‌کند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش کلیه زنان متأهل مراجعه کننده به مراکز بهداشت شهر قاین در ماه‌های تیر و مرداد ۱۳۹۸ می‌باشد که از بین آنها ۱۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها توسط ایشان تکمیل گردید. ابزار گردآوری داده‌ها شامل پرسشنامه پایبندی مذهبی و شاخص بی‌ثباتی ازدواج بود.

۳.۱. پرسشنامه پایبندی مذهبی جان بزرگی (۱۳۸۸)

این پرسشنامه برای سنجش رفتارهای دینی و میزان پایبندی مذهبی افراد در جوامع اسلامی و بر اساس گزاره‌های قرآن کریم و نهج البلاغه (خطبه همام) درباره ویژگی‌های مؤمنان ساخته شده است. نمونه یکصد سؤالی این ابزار با ۲۶۸ آزمودنی دانشجوی با آلفای کرونباخ ۰/۷۷ مورد استفاده قرار گرفت. پس از جدا سازی ۴۰ پرسش آزمون کتل، یک ابزار ۶۰ سؤالی فقط برای سنجش پایبندی مذهبی بدست آمد که سه عامل (پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی) را می‌سنجد. در عامل پایبندی مذهبی، فرد بدون تردید، بر اساس معیارهای مذهبی رفتار خود را تنظیم می‌کند و می‌کوشد که همه رفتارهایش را بر اساس مذهب طراحی کند. در عامل ناپایبندی مذهبی، فرد هیچ‌گونه تعمدی به تنظیم

رفتارها بر اساس اصول یا دستور العمل‌های مذهبی ندارد. در عامل دوسوگرایی مذهبی، فرد همواره نگران و در یک حالت تردید مذهبی به سر می‌برد، میان کردار و گفتارش ناهماهنگی است، در برابر سختی‌ها کم‌تحمل است، احساس خوبی به خود و رابطه خود با خدا ندارد. از اعمال مذهبی خود ناراضی است و فقط هنگام سختی‌ها به خدا پناه می‌برد. گفتنی است، ابعادی که در این پرسش‌نامه به دست آمد فقط ابعاد دین‌داری را نمی‌سنجد؛ بلکه ابعاد روی‌آوری یا روی‌گردانی یک فرد از مذهب یا ایمان فرد به اعتقادات مذهبی را می‌سنجد. هرچند که می‌توان با آن هدف نیز پرسش‌نامه را تحلیل کرد (جان بزرگی، ۱۳۸۸، ۸۹-۹۶-۹۷-۹۹).

جان بزرگی (۱۳۸۸)، به نقل از هراتیان و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷) با استفاده از روش تحلیل عاملی مشاهده کرد که روایی سازه این آزمون، معادل ۰/۸۱۶ است. پایایی هر یک از مقیاس‌های پایبندی مذهبی، دوسوگرایی و ناپایبندی مذهبی به ترتیب ۰/۸۷۸، ۰/۶۸۷، و ۰/۷۲۵ و میانگین پایایی همه خرده مقیاس‌ها ۰/۷۶۳ است. پاسخ‌ها به شکل لیکرتی است که ضمن ارائه نمره هر عامل، نمره کلی پایبندی نیز قابل محاسبه است که با معکوس کردن سؤال‌های گویه‌های مربوط به عامل اول و دوم به دست می‌آید. نمرات همه گویه‌ها مستقیم بوده و فقط گویه ۳۵ معکوس نمره‌گذاری می‌شود.

۳، ۲. شاخص بی‌ثباتی ازدواج ادوارز و همکاران (۱۹۸۷)

شاخص بی‌ثباتی ازدواج، یک ابزار ۱۴ سؤالی است که برای اندازه‌گیری عدم ثبات ازدواج زناشویی توسط (ادوارز و همکاران، ۱۹۸۷؛ به نقل از تنایی، ۱۳۸۷، ص ۶۴) تدوین شده است. این آزمون برای اولین بار در سال ۱۹۸۰ برای ۲۰۳۴ زن و مرد متأهل زیر ۵۵ سال و همچنین برای ۱۵۸۷ زن و مرد متأهل در سال ۱۹۸۳ به‌کار گرفته شد. روایی این مقیاس در پژوهش‌های متعددی مورد سنجش و تأیید قرار گرفته است و همبستگی مثبت آن با مقیاس‌های مربوط

به مشکلات و اختلالات زناشویی و همبستگی منفی آن با مقیاس‌های مربوط به تعامل و خرسندی زناشویی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی این مقیاس با روش آلفای کرونباخ $0/93$ گزارش شده است (ثنایی، 1387 ، ص 64). در پژوهش ریحانی و همکاران (1395 ، ص 64) پایایی این آزمون با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ $0/74$ بدست آمد. داده‌ها توسط شاخص‌های گرایش مرکزی، شاخص‌های پراکندگی، ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش‌بینی امکان طلاق توسط ابعاد و زیر مقیاس پایبندی مذهبی و با کمک نرم افزار SPSS (نسخه 23) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

۴. یافته‌های پژوهش

در این قسمت ابتدا میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و سپس ضرایب همبستگی و تحلیل رگرسیون به شیوه همزمان ارائه شده است.

متغیر	نمره حداقل	نمره حداکثر	میانگین	انحراف معیار
پایبندی مذهبی	۱۷	۶۶	۴۸/۸۲۰	۱۰/۶۴۲
	۶	۶۲	۳۹/۳۹۶	۱۱/۹۴۸
	۸	۴۸	۲۹/۳۵۵	۱۰/۳۰۳
امکان طلاق	۱۸	۵۳	۳۱/۴۹۱	۷/۷۶۷

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار ابعاد پایبندی مذهبی و امکان طلاق

جدول ۱، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

۵. فرضیه پژوهش: ابعاد پایبندی مذهبی توان پیش بینی امکان طلاق را دارد.

جدول ۲: ضرایب همبستگی بین نمرات ابعاد پایبندی مذهبی و امکان طلاق

ابعاد پایبندی مذهبی			متغیر
ناپایبندی به مذهب	دوسوگرایی	پایبندی به مذهب	امکان طلاق
۰/۰۹۳	۰/۰۷۸	-۰/۳۵۸	
۰/۳۵۵	۰/۴۴۲	۰/۰۰۱	

باتوجه به جدول ۲، می‌توان گفت بین بعد پایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین دو بعد دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه وجود ندارد.

جدول ۳: تحلیل رگرسیون همزمان نمره امکان طلاق بر اساس ابعاد پایبندی مذهبی

R ²	R	سطح معناداری	F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	منابع تغییرات
۰/۱۴۸	۰/۳۸۵	۰/۰۰۱	۵/۵۶۹	۲۹۴/۹۴۵	۳	۸۸۴/۸۳۶	رگرسیون
				۵۳/۰۰۲	۹۶	۵۰۸۸/۱۴۷	باقی مانده
					۹۹	۵۹۷۲/۹۸۳	کل

داده‌های جدول‌های ۳ و ۴ نشان می‌دهد که پیش‌بینی امکان طلاق آزمودنی‌ها بر اساس ابعاد پایبندی مذهبی فقط در مورد بعد پایبندی به مذهب معنادار است. این متغیر در مجموع ۱۵ درصد از امکان طلاق آزمودنی‌ها را پیش‌بینی می‌کند $R^2 = 0.148$. ضریب تأثیر این مقیاس $B = -0.278$ و ضریب رگرسیون این زیرمقیاس منفی می‌باشد. براین اساس می‌توان گفت با افزایش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق افزایش می‌یابد.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون همزمان میزان امکان طلاق بر اساس ابعاد پایبندی مذهبی

متغیرهای پیش بین	ضریب B	خطای معیار	ضریب بتا	T	سطح معناداری
مقدار ثابت	۴۱/۳۶۳	۳/۹۵۳	-	۱۰/۴۶۵	۰/۰۰۰
پایبندی به مذهب	-۰/۲۷۸	۰/۰۷۰	-۰/۳۷۸	-۳/۹۶۳	۰/۰۰۰
دوسوگرایی	۰/۰۵۷	۰/۱۰۱	۰/۰۸۷	۰/۵۵۸	۰/۵۷۸
ناپایبندی به مذهب	۰/۰۴۷	۰/۱۱۷	۰/۰۶۲	۰/۴۰۲	۰/۶۸۹

۶. بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد از بین ابعاد پایبندی مذهبی (پایبندی به مذهب، دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب) بین بعد پایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه منفی و معنادار وجود دارد و بین دو بعد دوسوگرایی و ناپایبندی به مذهب با امکان طلاق رابطه وجود ندارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، از بین ابعاد پایبندی مذهبی بعد پایبندی به مذهب توان پیش بینی امکان طلاق را دارد. بر این اساس می‌توان گفت با افزایش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق کاهش می‌یابد و بالعکس با کاهش نمره این مؤلفه، میزان امکان طلاق افزایش می‌یابد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد، از بین ابعاد پایبندی مذهبی بعد پایبندی به مذهب توان پیش بینی امکان طلاق را دارد که با نتایج لامبرت و دولاهیتته (۲۰۰۶)، غفوری و همکاران (۱۳۸۸)، هراتیان و همکاران (۱۳۹۴)، یوسفی و بشلیده (۱۳۹۰) همسو می‌باشد. تقیدات مذهبی در درجه اول، به بهبود روابط و تقویت و تحکم آن در بین زن و شوهر کمک می‌کند، وظایف والدینی را تسریع می‌کند، به والدین کمک می‌کند تا در زمینه روشهای تربیت فرزند با هم توافق داشته باشند. ضمن اینکه روابط مناسبی با فرزندان خود برقرار نمایند، موجب می‌شود زن و شوهر دیدگاه و اهداف مشترکی را در زندگی دنبال کنند. همچنین در مرتبه بعد تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کنند تا اوقات فراغت آنها در پیش خانواده و به همراه خانواده باشد و برنامه ریزی مناسبی در این زمینه داشته باشند. در درجه سوم، تقیدات مذهبی به افراد کمک می‌کند تا تفاوت در سلیقه‌های یکدیگر را بپذیرند و با آن

سازگار شوند، روابط مناسبی با اقوام و دوستان داشته باشند و صله رحم را در برنامه زندگی خود جای دهند. در درجه چهارم، بتوانند تعارضات بین خود و همسر را به خوبی حل کنند، برای درآمد و هزینه‌های خود برنامه‌ریزی کنند. بالاخره در درجه پنجم، روابط جنسی متقابلاً رضایت بخشی داشته باشند. (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶-۷) دین و پایبندی مذهبی با مشخص کردن بایدها و نبایدهای رفتاری، حد و حدود وظایف، نقش‌ها، تکالیف و حقوق زوج‌ها را مشخص می‌کند و با ایجاد الزام درونی به انجام وظایف و نقش‌ها از ایجاد تعارض جلوگیری می‌کند. همچنین دینداری به زوج‌ها کمک می‌کند تا در چهارچوب عقلی و شرعی به ارضای نیازهای عاطفی، جنسی و ... همدیگر بپردازند و از این طریق به ایجاد رضایت زناشویی کمک می‌کند؛ زیرا یکی از شاخص‌های رضایت زناشویی، ارضای نیازهای اساسی زوج‌ها است. (موسوی و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۵۱) با استمداد از معنویت و اتخاذ سبک زندگی اسلامی می‌توان از تعارضات و نارضایتی‌های زناشویی و اثرات منفی آن بر زندگی زوجین جلوگیری نمود و از رضایت بیشتری در زندگی زناشویی برخوردار شد.

در پایان گفتنی است که اجرای تحقیق و بررسی متغیرهای آن در سطح شهر قاین انجام گرفته است، از این رو، به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی - اجتماعی باید برای تعمیم نتایج به سایر مناطق، جانب احتیاط را رعایت کرد. همچنین با توجه به اینکه در این تحقیق، از پرسشنامه به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد، بی‌دقتی و عدم صداقت احتمالی شرکت‌کنندگان می‌تواند موجب اختلال در داده‌های گردآوری شده گردد.

در این پژوهش، نقش متغیرهای تأثیرگذار بر پایبندی مذهبی مانند جهت‌گیری مذهبی و مرحله تحول روانی - معنوی افراد لحاظ نشده است. از این رو به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آتی، اثر تعاملی این مؤلفه‌ها را در امکان طلاق مطالعه و بررسی نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود درمانگران و مشاوران خانواده و ازدواج، با آموزش، ترویج و اشاعه باورهای دینی به زوج‌ها، پایبندی به مذهب را در دوره‌های مختلف زندگی در قالب آموزش‌های پیشگیرانه در مراکز مختلف همچون دانشگاه‌ها، مراکز مشاوره خانواده و مساجد به طور مداوم در نظر داشته باشند.

فهرست منابع

۱. ابراهیم زاده آملی، عبدالله (۱۳۸۴)، «آثار دینداری در زندگی فردی و اجتماعی مریمان»، ش ۵ (۱۷)، ص ۶۵-۲۹.
۲. اکبری امرغان، حسین و عبدیوسفخانی، زینب (۱۳۹۴)، «بررسی رابطه پایبندی مذهبی و رضایت از زندگی»، فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه تربیتی، ش ۱۰ (۴۳)، ص ۴۳-۳۷.
۳. باختری، هاجر و جبرئیل زاده، رضیه (۱۳۹۷)، «پایبندی مذهبی، امیدواری و شادکامی: نقش جنسیت و تأهل در دینداری اسلامی»، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، ۱۲ (۱)، ص ۸۶-۶۳.
۴. ثناگویی، محمد (۱۳۹۲)، «رابطه الگوهای ارتباطی زنان و مردان با توجه به پایبندی مذهبی و رضامندی زناشویی در روابط زوجین»، روان شناسی و دین، ش ۱۶ (۱)، ص ۹۱-۱۰۹.
۵. ثنائی، باقر (۱۳۸۷)، مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج، تهران: انتشارات بعثت.
۶. جان‌بزرگی، مسعود (۱۳۸۸)، «ساخت و اعتباریابی آزمون پایبندی مذهبی بر اساس گزاره‌های قرآن و نهج البلاغه»، نشریه مطالعات اسلام و روانشناسی، ش ۳ (۵)، ص ۱۰۵-۷۹.
۷. ریحانی، رضا؛ سلیمانیان، علی اکبر؛ نظیفی، مرتضی (۱۳۹۵)، «پیش‌بینی بی‌ثباتی ازدواج بر اساس مهارت‌های تنظیم هیجانی و سبک‌های هویتی»، پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره، ش ۱۶ (۱)، ص ۶۰-۷۶.
۸. ریحانی، طیبه و عجم، محمود (۱۳۸۱)، «بررسی علل طلاق در شهر گناباد سال ۱۳۸۱»، افق دانش، ش ۲ (۸)، ص ۹۶-۱۰۰.
۹. سیفی، یاور و تقوی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «رابطه بهزیستی معنوی با رضایت زناشویی: نقش واسطه‌گری سرسختی روانشناختی»، دو فصلنامه روانشناسی معاصر، ش ۱۱۴ (۱)، ص ۴۱-۳۱.
۱۰. صاحب‌دل، حسین؛ جمشیدی، علی‌رضا و شکوری، زینب (۱۳۹۶)، «رابطه باورهای ارتباطی و میزان بی‌ثباتی ازدواج در زنان و مردان متأهل»، زن و مطالعات خانواده، ش ۹ (۳۵)، ص ۷۸-۶۵.
۱۱. غفوری، محمدرضا؛ گل‌پرور، محسن؛ مهدی‌زادگان، ایران (۱۳۸۸)، «سبک‌های دلبستگی و نگرش‌های مذهبی به عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی»، تحقیقات علوم رفتاری، ش ۷ (۲)، ص ۱۴۳-۱۵۳.
۱۲. فاتحی‌زاده، مریم‌السادات؛ بهجتی‌اردکانی، فاطمه و نصرافهانی، احمدرضا (۱۳۸۴)، «بررسی تأثیر عوامل خانوادگی در پایین بودن آمار طلاق در شهرهای یزد، اردکان و میبد»، مطالعات تربیتی و روانشناسی، ش ۱۶ (۱)، ص ۱۳۶-۱۱۷.
۱۳. فخری، مریم‌السادات؛ مهدویان‌فرد، راحله و کیمیایی، سیدعلی (۱۳۹۷)، «پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله»، فصلنامه روانشناسی و مشاوره، ش ۹ (۳۳)، ص ۲۲۲-۲۰۷.
۱۴. فروتن، یعقوب و میرزایی، سمیه (۱۳۹۵)، «نگرش به طلاق و تعیین‌کننده‌های آن در ایران»، دو فصلنامه ایرانی مطالعات جمعیتی، ش ۲ (۲)، ص ۲۲۵-۱۹۳.

۱۵. قاسمی، سیمین و اعتمادی، عذرا (۱۳۹۵)، «رابطه پایبندی مذهبی و بخشش باکیفیت روابط زوجین و خانواده هسر در زنان»، *روانشناسی و دین*، ش ۹(۲)، ص ۹۷-۱۰۹.
۱۶. قطبی، مرجان؛ هلاکویی نایینی؛ کوروش؛ جزایری، سیدابوالقاسم و رحیمی، عباس (۱۳۸۳)، «وضعیت طلاق و برخی عوامل مؤثر بر آن در افراد مطلقه ساکن در منطقه دولت آباد»، *رفاه اجتماعی*، ش ۳(۱۲)، ص ۲۷۱-۲۸۶.
۱۷. کلانتری، عبدالحسین؛ روشن فکرو، پیام و جواهر، جلوه (۱۳۹۰)، «مرور سه دهه طلاق در ایران»، *مطالعات راهبردی زنان*، ش ۴(۵۳)، ص ۱۲۹-۱۶۲.
۱۸. لیبی، محمدمهدی (۱۳۹۳)، *خانواده در قرن بیست و یکم: از نگاه جامعه شناسان ایرانی و غربی*، تهران: نشر علم.
۱۹. موسوی، سیدولی اله؛ رضائی، سجاد؛ قربان پور لقمجانی، امیر و احمدیان، طیبه (۱۳۹۷)، «مقایسه بخشایشگری و پایبندی مذهبی در زوجین در آستانه طلاق و زوج‌های عادی»، *پژوهشنامه روانشناسی مثبت*، ش ۴(۲)، ص ۴۱-۵۴.
۲۰. نیمانی، محمد؛ پرزور، پرویز؛ عطادخت، اکبر و عباسی، مسلم (۱۳۹۴)، «نقش بهزیستی معنوی و پایبندی مذهبی در پیش‌بینی رضامندی زناشویی پرستاران»، *مجله بالینی پرستاری و مامایی*، ش ۴(۲)، ص ۱-۱۰.
۲۱. نصراللهی، زهرا؛ غفاری گولگ، مرضیه و پروا، علی اکبر (۱۳۹۲)، «عوامل تعیین کننده طلاق در ایران با تأکید بر عوامل اقتصادی»، *مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان*، ۱۱(۴)، ص ۱۶۵-۱۸۶.
۲۲. نوابخش، مهرداد و پوریوسفی، حمید (۱۳۸۵)، نقش دین و باورهای مذهبی در سلامت روان، پژوهش دینی، ش ۱۴، ص ۷۱-۹۴.
۲۳. هراتیان، عباس علی؛ جان بزرگی، مسعود؛ آگاه هریس، مرگن (۱۳۹۴)، «رابطه پایبندی مذهبی و تعارضات زناشویی و تفاوت آنها در میان زوجین»، *پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده*، ش ۲(۵)، ص ۱۰۱-۱۱۷.
۲۴. هنریان، مسعوده و یونسسی، سیدجلال (۱۳۹۰)، «بررسی علل طلاق در دادگاه‌های خانواده تهران»، *مطالعات روانشناسی بالینی*، ش ۱(۳)، ص ۸۹-۱۵۳.
۲۵. یوسفی، ناصر و بشلیده، کیومرث (۱۳۹۰)، «خوش بینی-بدبینی و باورهای مذهبی به عنوان پیش‌بینی کننده‌های طلاق»، *دوفصلنامه مشاوره کاربردی دانشگاه شهید چمران اهواز*، ش ۱(۲)، ص ۷۳-۹۶.
26. Butler, M.H., Stout J A, Gardner B C. (2002). Prayer as a conflict resolution ritual: Clinical implications of religious couples report of relationship softening, healing perspective, and change responsibility. *American Journal of Family Therapy*, 30(1), 19- 37.
27. Fineberg, B.L., & Lowman, J. (1975). Affect and status dimensions of marital adjustment. *Journal of Marriage and the Family*, 37(1), 155- 160.
28. Furtado, D., Marcén, M., Sevilla A. (2013). Does Culture Affect Divorce? Evidence From

- European Immigrants in the United States. *Demography*, 50(3), 1013-1038.
29. Hunler, O. S., & Gencoz, T. I. (2005). The effect of religiousness on marital satisfaction: testing the mediator role of marital problem solving between religiousness and marital satisfaction. *Contemporary Family Therapy*, 27(1), 123-136.
 30. Lambert, N. M., & Dollahite, D. C. (2006). How religiosity helps couples prevent, resolve, and overcome marital conflict. *Family Relations*, 55(4), 439-449.
 31. Mahoney, A., Pargament, K. I., Jewell, T., Swank, A. B., Scott, E., Emery, E., & Rye, M. (1999). Marriage and the spiritual realm: The role of proximal and distal religious constructs in marital functioning. *Journal of Family Psychology*, 13(3), 321-338.
 32. Mahoney, A. (2005). Religion and conflict in marital and parent child relationships. *Journal of Social Issues*, 61(4), 689-706.
 33. Markman, H. J., Rhoades, G. K., Stanley, S. M., & Peterson, K. M. (2013). A randomized clinical trial of the effectiveness of premarital intervention: Moderators of divorce outcomes. *Journal of Family Psychology*, 27(1), 165-172. [DOI:10.1037/a0031134] [PMid:23421844]
 34. Marsh, R., & Dallos, R. (2001). Roman Catholic couples: wrath and religion. *Journal of Family Process Fall*, 40(3), 343-360.
 35. Mattingly, B. A., Wilson, K., Clark, E. M., Bequette, A. W., & Weidler, D. J. (2010). Foggy faithfulness: Relationship quality, religiosity, and the perceptions of dating infidelity scale in an adult sample. *Journal of Family Issues*, 31(11), 1465-1480.
 36. Schramm, D. G., Marshall, J. P., Harris, V. W., & Lee, T. R. (2012). Religiosity, homogamy, and marital adjustment: An examination of newlyweds in first marriages and remarriages. *Journal of Family Issues*, 37(2), 246-268.
 37. Smith, D. B., Hanges, P. J., & Dickson, M. W. (2001). Personnel selection and the five-factor model: Reexamining the effects of applicant's frame of reference. *Journal of Applied Psychology*, 86(2), 304-315.
 38. Smith, S, Maas, I, van Tubergen, F. (2012). Irreconcilable differences? Ethnic intermarriage and divorce in the Netherlands, 1995-2008. *Soc.Sci.Res*, 41(5), 1126-1137.
 39. Sun, L., Deng, Y., & Qi, W. (2018). Two impact pathways from religious belief to public disaster response: Findings from a literature review. *International Journal of Disaster Risk Reduction*, 27, 588-595.
 40. Willard, A. K., & Norenzayan, A. (2017). Spiritual but not religious: Cognition, schizotypy, and conversion in alternative beliefs. *Cognition*, 165, 137-146.

